خارج اصول8

سه شنبه 2/ 7/ 98

\*اقسام واجب\*

­­­­­­­­­­­­­­­­کلام در حلّ مشکل مقدّمات مفوّته بود.قرار شد مقدّمه ای در دو امر گفته شود؛ امر اوّل تمام شد.[[1]](#footnote-1)

امر دوّم: استحقاق عقاب بحکم عقل مستقل در دو مورد ثابت است:

1.مخالفت عبد با تکلیف فعلیِ مورد خطاب.

2.تفویت حقیقت و روح تکلیف؛ یعنی کاری کند که ملاک تکلیف در عالم خارج فوت شود-چه تکلیف تحریمی و چه تکلیف وجوبی-؛ مثلاً عبد بداند که نجات جان ولد مولا دارای ملاک تامّ است و مقتضی تکلیف فعلی است(یعنی اگر شرایط مهیّا باشد، حتماً مولا او را امر به نجات می کند) می کند؛ با فرض علم به این ملاک اگر او را نجات ندهد و ملاک فوت شود، مستحقّ عقاب است-چه قصور و تقصیر از ناحیه ی مولا باشد(مثلاً مولا خواب است و فرزندش در حال غرق شدن است) و چه از ناحیه ی عبد باشد(مثلاً عبد می داند ولد مولا چند لحظه ی دیگر در آب می افتد و غرق می شود در عین حال کاری کند که از نجات او عاجز شود)-.

سؤال

اگر عقل حکم کند به وجوب مقدّمه ی مفوّته ای که امکان ترشّح وجوب از ذی المقدّمه به آن وجود ندارد(زیرا در زمانی که مقدّمات باید اتیان شوند، ذی المقدّمه واجب نیست) آیا اتیان چنین مقدّمه ای علاوه بر وجوب عقلی، وجوب شرعی نیز برای آن ثابت می شود یا نه؟

جواب

وجوب شرعی دو صورت دارد:

اول: وجوب مولوی شرعی

2.وجوب ارشادی شرعی

صورت اوّل(مولوی): محقّق نائینی می فرماید:

انّ كلّ مورد حكم العقل بتحصيل القدرة أو حفظها قبل مجي‏ء زمان الواجب، فلا بدّ ان نستكشف من ذلك خطابا شرعيّا على طبق ما حكم به العقل بقاعدة الملازمة.[[2]](#footnote-2)

توضیح

خلاصه ی فرمایش ایشان همان چیزی است که برخی در باب انسداد به آن قائل شده اند به اینکه: با فرض تمامیّت مقدمات انسداد، عقل حکم می کند به حجّیت مطلق ظنّ، علی الکشف. یعنی اگر عقل حکم کند به وجوب اتیان مقدّمات واجب قبل از زمان واجب، کشف می شود که مولا نیز به وجوب آنها امر می کند.

سپس می فرماید: این وجوب شرعی، وجوب ترشّحی نیست(زیرا محلّ بحث ما موردی است که ذی المقدّمه واجب نیست) بلکه این وجوب، یک وجوب مستقل است برای رسیدن به ذی المقدّمه. و بعبارة أخری: وجوب اینها للغیر است نه بالغیر. و ترک این مقدّمات بنفسه عقاب ندارد بلکه عقاب بخاطر فوت واجب است.[[3]](#footnote-3)

(پایان)

1. . ظهر ممّا ذکرنا: در هر واجبی که بشود وجوب را قبل از زمان واجب فعلی کرد، مشکل مقدّمات مفوّته حلّ می شود. اما در واجباتی مانند این مثال(تعلّم قبل از بلوغ) چگونه این مشکل را حلّ کنیم؟ با فرض اینکه قبل از بلوغ هیچ تکلیفی واجب نیست. قبل از جواب این سؤال یک مقدّمه ذکر می شود که از دو امر تشکیل می شود:

   امر اوّل: قاعده ای معروف ، مقبول و مشهور در اصول و کلام می فرماید: «التنافی بالإختیار لاینافی الإختیار عقاباً و ینافیه خطاباً»؛ [↑](#footnote-ref-1)
2. . انّ كلّ مورد حكم العقل بتحصيل القدرة أو حفظها قبل مجي‏ء زمان الواجب، فلا بدّ ان نستكشف من ذلك خطابا شرعيّا على طبق ما حكم به العقل بقاعدة الملازمة، و عليه يجب تحصيل القدرة أو حفظها شرعا، و يكون السّير للحجّ و حفظ الماء و تحصيل السّاتر مأمورا به شرعا، و كذا حرمة العمل الّذي يوجب سلب القدرة على الواجب، و غير ذلك من المقدّمات المفوّتة. فوائد الاصول، ج‏1، ص: 202 [↑](#footnote-ref-2)
3. . و لكن ينبغي ان يعلم: انّ الوجوب الشّرعي في المقام ليس على حدّ سائر الواجبات الشّرعيّة في كونه نفسيّا يثاب و يعاقب على فعله و تركه، بل الوجوب في المقام مقدّميّ و يكون من سنخ وجوب المقدّمة، غايته: انّ وجوب المقدّمة في سائر المقامات يجي‏ء من قبل وجوب ذيها و يترشّح منه إليها، و هذا في المقام لا يمكن لعدم وجوب ذيها بعد، فلا يعقل ان يكون وجوبها ترشحيّا، إلّا انّه مع ذلك لم يكن وجوب المقدّمات المفوّتة نفسيّا لمصلحة قائمة بنفسها بحيث يكون الثّواب و العقاب على فعلها و تركها، بل وجوبها انّما يكون لرعاية ذلك الواجب المستقبل، و لمكان التّحفظ عليه و عدم فواته في وقته أوجب الشّارع تحصيل المقدمات و حفظ القدرة، فيكون‏ وجوبها من سنخ وجوب المقدّمة، و ان افترقا فيما ذكرناه، فالثّواب و العقاب انّما يكون على ذلك الواجب المستقبل. فوائد الاصول، ج‏1، ص: 203 [↑](#footnote-ref-3)